

شرح مبسوط قانون اساسی

عنوان پژوهش

شرح اصل یازدهم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۱۶۲

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱



شناسنامه

عنوان:

شرح مبسوط قانون اساسی
شرح اصل یازدهم قانون اساسی

مؤلف:

سیدمحمد مهدی غماهی
زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدائی

معاونت پژوهشی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۱۶۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

پژوهشکده شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۳	مفهوم نظام‌های اجتماعی - سیاسی اسلامی در قالب دارالاسلام
۳	الف) بررسی مفهومی نظام‌های اجتماعی - سیاسی اسلام در اصل (۱۱)
۳	۱- «همه مسلمانان»
۵	۲- «امت»
۸	۳- «ملل اسلامی»
۱۰	ب) بررسی نظام فقهی - حقوقی جامعه اسلامی در قالب دارالاسلام (جهان اسلام)
۱۱	۱- جریان احکام اسلامی
۱۱	۲- مالکیت سرزمینی
۱۲	۳- تسلط و حاکمیت سیاسی
۱۳	۴- داشتن امنیت برای مسلمانان
۱۴	۵- جمعیت و امنیت
۱۴	۶- جمع نظرات و تحلیل واقع‌گرایانه
۱۹	ائتلاف و وحدت با دولتهای دارالاسلام
۱۹	۱- اصول و استراتژی ارتباط مبتنی بر اتحاد
۱۹	۱-۱- اصول و مبانی ارتباط مبتنی بر اتحاد
۲۱	۲-۱- استراتژی و ضمانت اجراء ارتباط برای اتحاد
۲۵	۲- عینیت بخشیدن به اصول در قالب قوانین و مقررات ملی
۲۶	الف) سیاست‌های کلی
۲۷	ب) قوانین
۲۸	ج) مصوبات و آیین‌نامه‌های دولت
۲۹	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۳۰	منابع و مأخذ
۳۲	یادداشت‌ها

مقدمه

اصل (۱۱) از اصول فصل اول و در ردیف «اصول کلی» قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مبین الگوی «امت - امامت» به عنوان یکی از مهمترین مبانی نظام حاکمیت سیاسی ایران نسبت به سایر نظام‌های سیاسی جهان، و بیانگر عینیت بخشیدن به آرمانی برگرفته از حکومت جهانی حضرت موعود (عج) می‌باشد. به همین دلیل اولین جمله‌ی مقدمه قانون اساسی به این مبنا چنین اشاره می‌دارد که «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد.» به همین دلیل قانونگذار قانون اساسی جایگاه این اصل را نه در فصل دهم در خصوص «سیاست خارجی»، بلکه در فصل اول و در میان چهارده اصل بنیادین قانون اساسی به عنوان مبانی درون نظامی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است تا دولت اسلامی را مبتنی بر آن مستقر نماید. (مشروح مذاکرات، بهشتی، ۱۳۶۱: ۳۷۱) و بر همین اساس با رأی بالای شصت نفر موافق در مقابل دو نفر مخالف و دو نفر ممتنع از مجموع شصت و چهار نفر حاضر در جلسه هجدهم مجلس خبرگان قانون اساسی به تصویب آن پرداخت. (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۱: ۳۷۴) متأسفانه در خصوص این اصل به دلیل اجماع حاضران نسبت به ضروری بودن طرح آن، مباحث تحلیلی قابل توجهی در صحن عمومی مجلس صورت نگرفته است. با این وجود پذیرش اتصال انقلاب اسلامی به امت اسلامی اصلی مفروض در فرآیند تطور جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است. مقام معظم رهبری در دیدار مورخ ۱۳۹۰/۷/۲۴ بیان می‌دارند: «من یک نکته‌ای را در اینجا عرض بکنم. یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.»

اصل (۱۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بیان نقش دولت جمهوری اسلامی ایران در ایجاد ائتلاف و همگرایی در جهان اسلام به هدف وحدت برای تشکیل نظام امت و امامت^۱ و نفی نظام سیاسی مبتنی بر ناسیونالیسم اشاره، و با استناد به آیه (۹۲) سوره انبیاء مقرر می‌دارد: «بِه حَکْمِ آيَةِ كَرِيْمِهِ «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ» همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر

پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»

در مجموع جهت مطالعه اصل (۱۱) ابتدا باید کلید واژه‌های اصلی مربوط را تبیین کرده و سپس به بررسی مبانی و احکام موجود در این اصل پرداخت. در این راستا تحلیل کلیدواژه‌های «همه مسلمانان»، «ملل اسلامی»، «امت»، «جهان اسلام» یا همان «دارالاسلام» و «ارتباط برای وحدت» با توجه به مبانی فقهی - کلامی و درک نسبت این مفاهیم در قالب دارالاسلام نسبت به دارالکفر لازم است تا حکم مربوط به نظام سیاسی مطلوب اسلام، تعیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی و اولویت این سیاست بنیادین در ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی روشن گردد.

مفهوم نظام‌های اجتماعی - سیاسی اسلامی در قالب دارالاسلام

در اصل (۱۱) قانون اساسی با کلیدواژه‌های متعددی که مبین ایجاد و تمامیت نظام‌های سیاسی - اجتماعی اسلامی هستند روبرو می‌شویم. در این مبحث بر آن هستیم تا مفهوم تمامی این کلیدواژه‌ها را در قالبی مدون درآورده و مفهومی واحد در خصوص اعمال سیاست سیاسی اسلام مبتنی بر همگرایی و وحدت را ارائه دهیم.

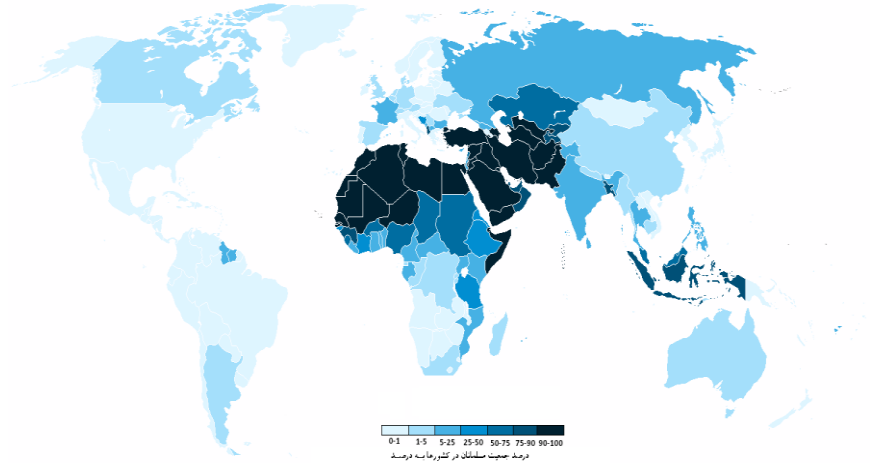
الف) بررسی مفهومی نظام‌های اجتماعی - سیاسی اسلام در اصل (۱۱)

به اختصار در تبیین کلیدواژه‌های اصل (۱۱) تعریف و مفاهیم زیر قابل ارایه و تحلیل است که خود مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ابزارها را در جهت تحقق اصل مذکور فراهم می‌آورد:

۱- «همه مسلمانان»

«همه مسلمانان» در واقع بیانگر آحاد مسلمین در تمامی جهان می‌باشد؛ به عبارت دیگر هر کس که بر مبنای قواعد فقهی معتقد به اسلام (خدای واحد، حضرت محمد (ص) به عنوان پیامبر خاتم، قرآن به عنوان کتاب مرجع و کعبه به عنوان قبله) باشد مشمول عنوان مسلمان قرار می‌گیرد. هم اکنون بر اساس آمار حاصل از ۲۳۲ کشور توسط موسسه تحقیقاتی پیو، ۲۳٪ جمعیت جهان یعنی در حدود ۱،۵۷ میلیارد مسلمان در جهان وجود دارد که حدود هشتاد درصد آن سنی مذهب (حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی) و بیش از ۱۵٪ آن شیعه (زیدی، اسماعیلیه، جعفری، اثنی عشری) و مابقی از سایر فرق کوچک (صوفیه، خارجی و ...) می‌باشند. (Pew Research Center ۲۰۰۹) تأکید بر تعداد مسلمانان (حدود هشتصد میلیون نفر در زمان طرح موضوع در مشروح مذاکرات قانون اساسی) و

تعهد آنها نسبت به یکدیگر و اجتماع واحد ایشان به استناد به آیه (۱۰۳) سوره آل عمران: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» در واقع بنیان مفهوم امت به عنوان عنصر جمعیت انسانی دولت اسلامی را تشکیل می‌دهد. (مشروح مذاکرات، بهشتی، ۱۳۶۱: ۳۷۳)



شماره (۲۰۰۹) Pew Forum on Religion & Public Life ترجمه و تنظیم: ضحی

با این وجود لازم است معیار دقیقی در خصوص «اسلام» ارایه دهیم تا هم مبتنی بر قواعد فقهی واجد اوصاف لازم باشد و هم به واسطه تعلقات ناشی از صفات مذکور گرایش به همگرایی و وحدت جهت اعمال اصل (۱۱) در وی استظهار گردد. بر اساس مجموع آیات قرآن، مسلمان عنوانی است متصف به یگانه پرستی چنانکه آیات ۱۶۱ تا ۱۶۳ سوره انعام، حضرت محمد (ص) را به واسطه صراط مستقیم و پرستش خدای یگانه اول مسلمان معرفی می‌کند «لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ»، همچنین آیات (۸۹) تا (۹۶) سوره نحل دلالت بر این دارد که اسلام در واقع به معنی تعهدی است که فرد در یکتاپرستی به خدا می‌دهد و باید به سوگندی که یاد می‌کند وفادار بماند. به این ترتیب و بر اساس مصرحات قرآن غیر از حضرت محمد (ص) سایر رسولان نیز مسلمان بوده‌اند.^۲ و عبارت «مسلم» به مفهوم «فرمانبردار» و «تسلیم شده» است. (مهرین شوشتری، ۱۳۷۲: ۴۱۰) با این وجود ایشان مسلمان بودند چون تسلیم امر خدا شدند و امر خدا اطاعت از رسول خاتم و الاولی الامر^۳ می‌باشد. به این ترتیب مفهوم اسلام به نحو خاص و اصطلاحی فقه عبارت

است از گرویدن به آیین آسمانی حضرت محمد (ص). (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ۲۸۲)

صاحب جواهر می‌فرماید: مراد از مسلم کسی است که متصف به اسرار باشد، و آن عبارت است از اقرار به شهادتین و موجبات کفر از او سر نزند. (نجفی، ۱۹۸۱: ۳۳۷) معنای کافر نیز به قرینه مقابله روشن می‌شود. کسانی که توحید، نبوت و قیامت را نپذیرفته‌اند کافرند. بنابراین، کافر اعم است از ملحدانی که به هیچ یک از ادیان آسمانی عقیده ندارند، چه مکتب مادی را پذیرفته باشند و چه نپذیرفته باشند، و نیز کسانی که به یکی از ادیان آسمانی معتقدند. وهبه زحیلی در بحث جهاد درباره اینکه اسلام کافر چگونه معلوم می‌شود می‌نویسد: اعلان اسلام به گونه جرع به این است که شهادتین را بگوید و یا شهادت را همراه با تبری جستن از اعتقادات سابق (زمان کفر) اظهار کند. وی سپس از ابی مالک به نقل از پدرش گزارش می‌کند: «سمعت رسول الله (ص) یقول: من قال لا اله الا الله و کفر بما یعبدنی دون الله حرم ماله و دمه و حسابه علی الله» شنیدم رسول خدا می‌فرمود: هر کسی کلمه لا اله الا الله را بگوید و به آنچه غیر از خدا پرستش می‌شود کافر شود، مال و جانش حرام و حسابش با خداست. (الزحیلی، ۱۴۱۸: ۴۲۶)

۲- امت

۲-۱- مفهوم امت

امت در لغت عربی ناظر به مفهوم «دین» و «شریعت» است. و در قرآن به مفهوم «زمان» (س ۱۲، آیه ۴۵)، «جماعت» (س ۲، آیه ۱۳۴)، «طریق دین» و «ملت» به کار رفته است. (مهرین شوشتری، ۱۳۷۴: ۵۸) (جالب آنکه ریشه امت و امامت هر دو از ام است). در آیه (۸۹) سوره مبارکه نحل مفهوم امت دقیقاً به مطلق مفهوم دین دلالت دارد؛ چرا که مسلمانان را یکی از انواع تابعان دین اسلام آورده است: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ». در ادامه آیه (۹۳) سوره نحل نیز بیان می‌دارد: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».

أُمَّة در قاموس قرآن^۴ عبارت است از: «جماعتی که وجه مشترک دارند، أم در لغت به معنی قصد است گویند: «أُمَّةٌ: اى قَصْدَةٌ» [مانده: ۲]، یعنی قاصدان خانه خدا. بنابراین امت به کسانی گفته می‌شود که قصد مشترک و نظر مشترک دارند، راغب گوید: أُمَّةٌ هر جماعتی است که یک چیز مثل دین یا زبان و یا مکان آنها را جمع کند. مثلاً در آیه ۳۸ سوره

اعراف، منظور اشتراک در کفر و شرک است، در آیه ۱۲۰ سوره نحل، حضرت ابراهیم به تنهایی یک امت شمرده شده، گفته‌اند: او امتی بود که فقط یک فرد داشت زیرا که آن روز او مؤحّد بود. راغب بیان می‌دارد: یعنی او در عبادت خدا در مقام یک جماعت بود گویند: فلانی به تنهایی یک قبیله است. این اثر در نهاییه نقل می‌کند: درباره‌ی قُس بن ساعده آمده: «یبعث یوم القیمه أمة واحدة». در آیه‌ی ۴۵ سوره یوسف، امت را مدت معنی کرده‌اند یعنی آنکه از دو نفر زندانی نجات یافته بود و بعد از مدتی یوسف را یاد آورد، گفت: الخ. شاید از جهت یکنواخت بودن روزها و سال‌های گذشته، به آنها امت اطلاق شده است راغب گوید: «وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ» یعنی بعد از گذشتن اهل یک زمان یا اهل یک دین، یوسف را یاد آورد، این معنی به نظر قوی می‌آید. (راغب، ۱۳۸۷: ۲۳) بر این اساس امت به جمعیتی می‌گویند که مقصد خاص و مقصود و امام معینی را دنبال می‌کند و وصف تأکید «وَاحِدَةً» در «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً» نشانگر آن است که مردم در فطرت اولیه خویش، سمت و سوی واحدی را دنبال می‌کردند و هیچ‌گونه اختلاف و مشاجره فتنه انگیزی در بین آنان نبوده مگر آنکه در پرتو فطرت توحیدی و نصایح انبیاء پیشین حل می‌شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۴)

به هر صورت در فقه سیاسی اسلام، منظور از امت جماعتی دارای وحدت فکری - اعتقادی است و عنصر جمعیت یا گروه انسانی دولت اسلامی را همین امت تشکیل می‌دهند که دارای رابطه‌ی اعتقادی مبتنی بر اسلام هستند. بنابراین اسلام در تشکیل امت، رابطه‌ی تابعیت، عضویت و اقامت در کشور را - آن چنان که در دولت‌ها مرسوم است - به رسمیت نمی‌شناسد. چرا که اینگونه اعتبارات مانع مبنای «جهانی بودن اسلام» و فراگیری آن است. دولت اسلامی دارای یک رسالت فکری با عنوان اسلام است و «اسلام دارای دعوت عمومی انسان‌ها است. حضرت محمد (ص) برای همه بشریت در تمام قرون و سرزمین‌ها با صرف‌نظر از ویژگی‌های قومی، سرزمینی و غیره مبعوث شده است.» (به نقل از محمد باقر صدر، الاسلام یقود الحیاه، ص ۴۰) (مصطفوی ۱۳۸۶: ۶۴) به همین دلیل در مقدمه قانون اساسی ذیل عنوان «شیوه حکومت در اسلام» آورده شده است: «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی، با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (انْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ) و استمرار مبارزه در نجات ملل

محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.»

۲-۲- دلالت آیه (۹۲) سوره انبیاء

در اصل (۱۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با بیان کامل آیه (۹۲) سوره انبیاء عنصر جمعیت دولت اسلامی ترسیم، و وظیفه تحول و کوشش جهت تطور از ملی‌گرایی به عنوان یک واقعیت مذموم به امت‌گرایی به عنوان یک هدف آرمانی مورد تصریح قرار می‌گیرد. آیه (۹۲) سوره انبیاء با تقریر «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۵ بر اصل توحید اجتماعی و عبادی تأکید می‌کند، چنانکه آیه بعد نیز بر پرهیز از تفرقه و توحید فطری دلالت می‌کند: «وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ»^۶. این ترکیب آیات همانند آیات (۵۲) و (۵۳) سوره مومنون می‌باشد.^۷ واعظ زاده خراسانی در تبیین این آیه بر سه نکته قابل توجه دست گذاشته و بیان می‌دارد که (۱) وحدت امت در ردیف توحید قرار دارد و به تعبیر دیگر وحدت یکی از ارکان اسلام است؛ (۲) به همان نسبت که مسلمانان بر اساس توحید موظفند خدا را عبادت کنند، وظیفه دارند در تحصیل وحدت بکوشند؛ (۳) با توجه به طرح مقدم وحدت امت، عبادت خدای یکتا متفرع بر وحدت امت و وحدت رب است و این دو در عرض هم پایه عبادت توحیدی خدا هستند. (واعظ‌زاده خراسانی، ۱۳۶۸، ۹۳) علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (رضی) نیز در تبیین وحدت امت بیان می‌کند: «بنی الاسلام علی کلمتین: کلمه التوحید و توحید الکلمه» یعنی اسلام بر روی دو اصل و دو فکر بنا شده است: یکی اصل پرستش خدای یگانه است، دیگر اصل اتفاق و اتحاد جامعه اسلامی است. (مطهری، ۱۳۸۰، ۱۹)

بر اساس اندیشه اسلامی، امت، تشکیل شده از انسان‌های همفکر و هم عقیده‌ای است که بر اساس عقیده و آرمان مشترک، سازمان سیاسی و نظام مشترکی را پذیرفته‌اند. اتحاد و یکپارچگی از عناصر تشکیل دهنده امت و خصلتی تفکیک ناپذیر از مفهوم امت است. در همین مورد اسلام پارا فرائر گذارده و به ائتلاف و اتحاد مسلمانان شکل برداری و عاطفی داده و همبستگی جامعه اسلامی و یکپارچگی جهان اسلام را به صورت بدیع و نوظهور مطرح کرده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ». (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ۲۴۲) به عبارت دیگر امت اسلامی مجموعه اشخاصی هستند که بر محور عقیده واحد و اخلاقیات واحد اجتماع کرده‌اند و اتباع ذاتی^۸ دارالاسلام که قلمرو حاکمیت سیاسی - حقوقی اسلام است می‌باشند.

(عباس نژاد، ۱۳۸۵، ۷۴)

امام صادق (ع) می‌فرماید: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ*، بنو آب و أم؛ و إذا ضرب علی رجل منهم عرق، سهر له الآخرون. (کلینی، ۱۳۶۳، ج: ۲، ۱۶۵) یعنی مؤمنان با هم برادرند، فرزندان یک پدر و یک مادر؛ چون یکی از آنان به دردی دچار گردد، دیگران نیز درد او را حس می‌کنند. و همچنین ابوبصیر از ایشان نقل می‌کند: سمعت أبا عبد الله «ع» يقول: المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده. (همان: ۱۶۶) یعنی مؤمن برادر مؤمن است، همچون تن واحد، که اگر جایی از آن به درد آید، همه تن دردمند گردد.

۳- «ملل اسلامی»

«ملل» اسلامی به عنوان جمع ملت در اصل (۱۱) قانون اساسی آیا به مفهوم اصطلاحی عنصر جمعیت در نظام دولت - ملت، حاصل معاهده وستفاليا (۱۹۶۸) است؟ و یا با توجه به سیاق اصل مفهوم دیگری مورد نظر قانونگذار اساسی بوده است؟

کلمه «ملت» کلمه‌ای عربی است و به معنی راه و روش است. در قرآن نیز این کلمه بیش از پانزده بار به همین معنا آمده است.^۹ و تعبیر قرآن از ملت طریقه‌ای است که از طرف رهبر الهی برای هدایت فردی و اجتماعی مردم عرضه شده است، چنانکه آیه (۲۸۲) سوره بقره با آوردن کلمه املاال (هم ریشه ملت) بیان می‌دارد: «فَلْيَمْلِكْ وَكَلِمَةً بِالْعَدْلِ» یعنی ولی از روی عدالت املاء می‌کند. راغب نیز علت اینکه طریقه الهی ملت نامیده می‌شود را دیکته شدن از طرف خدا دانسته است. (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۹) در واژگان قرآن نیز ملت به معنی «دین» و «جماعت» (یوسف: ۳۷: انی ترکت ملة قوم لایومنون بالله) آمده است. (مهرین شوشتری، ۱۳۷۲: ۴۳۲) علیهذا این مفهوم تقارب زیادی با نظام دولت - ملت دارد.

در اصطلاح امروز فارسی کلمه ملت به واسطه تحولات قانون اساسی خواهی مشروطه و ورود نظریه دولت ملی در واقع «به واحدی اجتماعی گفته می‌شود که دارای سابقه تاریخی واحد، قانون واحد، حکومت واحد و احیاناً آمال و آرمان‌های مشترک و واحد می‌باشند. چنانچه امروز به جای مردم آلمان و انگلستان و فرانسه و غیره، ملت آلمان، ملت انگلستان و ملت فرانسه می‌گوییم.» در این معنا لغت عرب از واژه «قوم» یا «شعب» استفاده می‌کند. (همان: ۶۰) به این ترتیب آنچه که متأثر از نظام دولت ملی اصطلاحاً در حقوق و علوم سیاسی ملت گفته می‌شود حاصل دگردیسی یک واژه برای مفهومی وارداتی، غیر از مفهوم ذاتی خود شده است.

درخصوص اینکه ابتداء ملت بر نژاد و خون است یا تعلقات عرفی - فرهنگی، نظریات بسیاری ارایه شده است، ولی به هر حال ملت ظاهراً ممزوجی از هر دو است که امروزه وجه اول آن به نحو خالص قابل کشف نیست و وجه دوم به جهت فرآیند جهانی شدن و تقابلات فرهنگی (صدور، تقلید و برخورد) پایداری یکسانی ندارد. به علاوه آنکه ملیت از خانواده خودخواهی است که از حدود فرد و قبیله تجاوز کرده و در مقیاس ملی تبلور یافته است. گرچه اسلام احساسات مثبت ناسیونالیستی را محکوم نمی‌کند. (همان: ۶۳) ولی در دین اسلام، ملیت و قومیت به معنایی که امروز میان مردم رایج است هیچ اعتباری ندارد، بلکه این دین به همه ملت‌ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می‌کند و از آغاز نیز دعوت اسلامی به ملت و قوم خاصی تعلق نداشته است، بلکه این دین همیشه می‌کوشیده است که به وسایل مختلف ریشه ملت پرستی و تفاخرات قومی را از بیخ و بن برکند. به این ترتیب اول اینکه اسلام (انترناسیونالیسم اسلامی) از آغاز ظهور خویش داعیه جهانی داشته است و دوم اینکه مقیاس‌های اسلامی مقیاس‌های جهانی است نه ملی و قومی و نژادی. (همان: ۶۸)

پس از جنگ جهانی دوم این نگرش در میان شماری از انقلابیون و فعالان جنبش‌های استقلال طلبی جهان سوم و جهان اسلام به وجود آمد که تنها با تکیه بر «ناسیونالیسم» (ملی‌گرایی) می‌توان مستقل شد و مستقل ماند. ناسیونالیسم در ایران هم‌زمان با هجوم اندیشه‌ها و مکاتب غربی، مطرح گردید و با برخی اصول اساسی اسلام ناهمخوان بود. بر مبنای این ایدئولوژی، ایرانی‌ها دارای یک احساس مشترک و وجدان و شعوری مجزا هستند که یک واحد سیاسی تحت نام ایران با ملت ایران را می‌سازد. این نگرش در درجه اول مرزهای دارالاسلام را می‌شکند؛ به گونه‌ای که حتی ممکن است به جنگ‌های درون جوامع اسلامی منتهی گردد. موضوعی که متأسفانه کماکان جهان اسلام را آزار داده و مانع شکل‌گیری یک تفکر وحدت بخش میان آنها شده است. این ایدئولوژی برای ایران هم بسیار خطرناک است؛ چرا که ممکن است به تقسیمات درونی بینجامد. ایران جامعه‌ای متنوع و متشکل از گروه‌های قومی، زبانی و فرهنگ‌های مختلف است و اغلب کسانی که در تلاشند تا به این مملکت آسیب بزنند، شکاف‌های فرهنگی، قومی و زبانی را مطرح می‌کنند.

گریز از نظریه «دولت - ملت»، به عنوان یک نظریه منحط و رو به زوال، آنچنان مورد توجه کشورهای اروپایی قرار گرفته که تحولات سریع اتحادیه اروپا مبین این گریز از ملت‌گرایی به جامعه‌ای بزرگتر در قالب منطقه‌گرایی و فراتر از آن جهانی‌گرایی است. تا جایی که تحولات

قوانین اساسی از مفهوم ناسیونالیسم در کشورهایی همانند فرانسه که به شدت مبتنی بر ملی‌گرایی و تعلقات فرانکوپن است دور شده و فصلی تحت عنوان «اتحادیه اروپا»^{۱۰} مبتنی بر معاهده لیسبون^{۱۱} و منطقه‌گرایی اروپایی ذیل مواد ۱-۸۸ تا ۷-۸۸ باز شده است.^{۱۲}

با توجه به مبحثی که درخصوص امت آورده شد، در اصل (۱۱) هم می‌توان گفت منظور از ملل اسلامی هم می‌تواند ناظر به فرق اسلامی (یعنی روش) باشد و هم ناظر به عنصر جمعیت از مفهوم کشور باشد. به هر طریق کلیت اصل دلالت بر مفهوم «تقریب مذاهب» دارد؛ چرا که ملت به معنی عنصر جمعیت منحصر به فضای جغرافیایی است و تمام تأکید قانونگذار قانون اساسی «پیوستگی و یگانگی» همه مسلمین تحت نظام سیاسی واحد به عنوان «امت» است. (بهشتی، مشروح مذاکرات، ۱۳۶۱: ۳۷۱) به علاوه آنکه امروزه بستری مساعد از بیش از ۵۰ کشور دارای جمعیت اکثریت (بیش از ۵۰٪) مسلمان در جهان وجود دارد. (Pew Research Center ۲۰۰۹)

ب) بررسی نظام فقهی - حقوقی جامعه اسلامی در قالب دارالاسلام (جهان اسلام)

در مباحث مربوط به احکام فقهی و حقوقی اسلامی مخصوصاً حقوق بین الملل اسلامی اولین گام برای بار کردن احکام حقوقی تعیین ملاکی است که مبتنی بر آن بتوان سیاست‌های همگرایی برای تأمین اهداف مشترک اسلامی را دنبال و محقق نمود. نهادی که به واسطه استخراج از قرآن و سنت و تحقیق و تفقه اندیشمندان اسلامی طراحی و تفصیل شد سه‌گانه‌ای است مبتنی بر جریان جغرافیایی - جمعیتی اعتقادات یا معتقدین که شامل دارالاسلام، دارالکفر و دارالحرب می‌شود. بر این اساس دارالکفر یا دارالشُرک در مقابل دارالاسلام قرار می‌گیرد، با این وجود الزاماً خصومتی با دارالاسلام ندارد و یا خصومت و اختلافات به قدری شدید نیست که طرفین در وضعیت قطع روابط، تحریم و یا جنگ قرار بگیرند. در صورتی که بین طرفین وضعیت مخاصمه حاکم گردد آن دارالشُرک یا دارالکفر به دارالحرب بدل می‌گردد. سیاست‌خارجی دارالاسلام با دارالکفر و دارالحرب مجموعاً همان سیاستی است که در اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی به آن اشاره شده و در توضیح اصل مذکور به تحلیل آن پرداخته می‌شود. در اینجا با بیان ملاک‌ها و معیارهای تعیین دارالاسلام، به بررسی تحلیلی مفهوم دارالاسلام می‌پردازیم و تأکید می‌کنیم که مفهوم مخالف دارالاسلام مبنای تحلیل دارالشُرک و دارالکفر می‌باشد. مجموع این معیارها که بر محور مفهوم مطلق «اسلام» و «مسلمین» معنا می‌گیرد به شرح زیر می‌باشد:

۱- جریان احکام اسلامی

به سرزمین‌هایی دارالاسلام گفته می‌شود که در آنها احکام اسلامی جاری و نافذ باشند و منظور از دارالشُرک سرزمین‌هایی است که احکام اسلام در آنها جریان و نفوذ ندارند. شهید اول در این مورد بیان می‌کند مقصود از دارالاسلام، مناطقی است که در آنها حکم اسلام جریان دارد و در آن کافری جز آنکه با مسلمانان پیمان (ذمه یا امان) دارد یافت نمی‌شود. ولی دارالکفر به مناطقی گفته می‌شود که در آن جا احکام و قوانین کافران مورد اجرا گذاشته می‌شود و در آن جا مسلمانی یافت نمی‌گردد مگر آنکه با کافران پیمان صلح بسته‌اند. (المراد بدارالاسلام ماینفذ فیها حکم الاسلام فلا یکون بها کافرا الا معاهدا... و اما دارالکفر فهی ما ینفذ فیها احکام الکفار فلا یسکن فیها مسلم الا مسالماً). (شهید اول، بی‌تا، ج ۳: ۷۸)

در این دیدگاه به دو عنصر مهم در این تعاریف اشاره نشده است: عنصر جمعیت و حکومت. مگر اینکه بگوییم وجود حکومت اسلامی کفایت می‌کند، ولی باز هم در تعریف شهید اول و شیخ طوسی (دیدگاه دوم) لزوم حکومت دیده نمی‌شود، بلکه جریان دین کفایت می‌کند. از سوی دیگر در روایات^{۱۳}، ترکیب جمعیت هم ملاک می‌باشد.^۱

۲- مالکیت سرزمینی

این نظر که به نوعی بر تعلق سرزمینی و حاکمیت مسلمانان دلالت می‌کند به حکومت اسلامی و قواعد اسلامی کاری ندارد. شیخ طوسی در توضیح این نظر معتقد است دارالاسلام به سرزمین‌هایی می‌گویند که مسلمانان آن را بسازند و اساساً قبل از آن مشرکین در آن وارد نشده‌اند مثل: بغداد و بصره یا سرزمین‌هایی که قبلاً متعلق به کفار بوده ولی مسلمانان آنها را فتح کرده و حکومت آن را در اختیار دارند. این فتح و غلبه می‌تواند با جنگ و یا قرارداد صلح مقرون به جزیه باشد. و نهایتاً سرزمین‌هایی که قبلاً متعلق به مسلمانان بوده ولی هم اکنون کفار آن را تصرف یا اشغال کرده‌اند مثل طرسوس (شهری میان

۱. چنانکه در روایت امام باقر علیه السلام، قال: کان امیرالمؤمنین علیه السلام اذا نفی احداً من اهل الاسلام فغاه الی اقرب بلد من اهل الشرک الی الاسلام، فظفر فی ذلک، فکان الدلیل اقرب اهل الشرک الی الاسلام. (عاملی، ج ۱۸، ابواب حد المحارب، باب ۱۸: ح ۶۶). همچنین عن العبد الصالح (ع): لا بأس بالصلاة فی الفراء الیمانی و فیما صنع فی أرض الاسلام، قلت: فان کان فیها غیر اهل الاسلام، قال: اذا کان الغالب علیها المسلمین فلا بأس (عاملی، ج ۲، ابواب النجاسات، باب ۵۰: ح ۵).

انطاکیه و حلب). (شیخ طوسی، ۱۳۹۶: ۳۴۳)^۱

این نظر (مخصوصاً شق سوم)، هر سرزمینی را هم که فعلاً دارالاسلام است و سپس به تصرف کافران درآمده را نیز دارالاسلام می‌داند.

به نظر شیخ طوسی دارالاسلام از سه دسته سرزمین شکل می‌گیرد؛

(۱) شهرها و آبادی‌هایی که مسلمانان به وجود آورده‌اند. مانند بصره، بغداد و کوفه؛

(۲) منطقه‌هایی که مسلمانان آنجا فتح کرده‌اند و یا مالک آن شده‌اند و یا اگر مالک نشده‌اند در برابر جزیه با مردم آنجا صلح کرده‌اند؛

(۳) مناطقی که متعلق به مسلمانان بوده ولی مشرکان بر آن دست یافته‌اند.

علامه حلی حتی نظر شیخ طوسی را گسترش می‌دهد و به بند سوم آن اضافه می‌کند که لازم نیست اصالتاً آن سرزمین متعلق به مسلمانان باشد مثل هند و روم. (علامه حلی، ۱۴۲۷: ۱۲۶) با این حساب اسپانیا و بسیاری از سرزمین‌ها هنوز هم دارالاسلام است، در حالیکه این مسئله غیرواقعی است.

۳- تسلط و حاکمیت سیاسی

معیار دارالاسلام «تسلط و حاکمیت سیاسی» است، به این معنی که سلطنت و حاکمیت آن از آن مسلمانان باشد. محمد بن احمد سرخسی معتقد است: «المعتبر فی حکم دارالاسلام هو السلطان و المنفذ فی ظهور الحکم.» (سرخسی، ج ۴، ص ۱۰) همچنین بسیونی و برخی از فقها نیز عنوان می‌کنند: «دارالاسلام به مکانی گفته می‌شود که تحت ید مسلمانان باشد.» و منظور از «ید» فرمانبرداری آن سرزمین از حاکمیت مسلمانان است. بنابراین سرزمینی که تحت ولایت مسلمانان بوده و حکومت اسلامی بر آن حکمفرماست، «دارالاسلام» نامیده می‌شود. نخستین سرزمینی که بر اجرا و پیاده سازی اسلام و شریعت اسلامی گردن نهاد، مدینه «یثرب» بود. در فقره نوزدهم «صحیفه»^۲ آمده است: «حریم اهل این صحیفه، داخل یثرب است.» در فقره سی و ششم آمده است: «جز با اذن محمد (ص) کسی از آن خارج نشود.» در فقره چهل و هفتم آمده است: «کسی که از مدینه خارج شود، در امان است و

۱. (دارالاسلام علی ثلاثه اضرب: بلد بنی فی الاسلام ولم یقریها المشرکون کبغداد والبصره... والثانی کان دار کفر فغلب علیها المسلمون او اخذوها المسلمون او اخذوها صلحا واقروهم علی ماکانوا علیه علی أن یؤدوا الجزیه... والثالث: دار کانت للمسلمین وغلب علیها المشرکون مثل الطرسوس.)

۲. مجموعه‌ای است که وضعیت حقوقی و سازماندهی سیاسی و اداری مسلمانان مدینه النبی در آن آمده است.

کسی هم که در داخل بماند در امنیت است، مگر کسی که ظلم و تعدی و ... نماید.» (مصطفوی ۱۳۸۶: ۶۹) این متون تصریح می‌کند که «در آنجا مکان معینی وجود داشته است که احکام این صحیفه در آن اجرا می‌شده و دیگر این که آن مکان دارای مرزهایی بوده است که خروج از آن، خروج از سرزمین دولت و اقامت در آن اقامت در سرزمین دولت اسلامی می‌شد.» (شمس‌الدین، ۱۴۱۵: ۵۳۸)

نقل شده است که «پیامبر اکرم^(ص) برخی از اصحاب خویش را فرستاد تا پرچم‌هایی در محدوده‌ی حریم مدینه نصب نمایند. این محدوده شامل حومه شرقی و غربی، مابین کوه ثور در شمال و کوه عیر در جنوب و دره عتیق در داخل حرم بود.» (همان) این متون به معنای آن است که «دولت اسلامی، دارای سرزمین ویژه‌ی خود با مرزهای معین بوده است و تابعیت جامعه اسلامی آن با تابعیت از این سرزمین بوده است.» (همان)

بر اساس این دیدگاه دارال‌الحرب سرزمینی است که ولایت کفار را گردن نهاده است و دارال‌عهد یا دارالصلح یا دارالهدنه سرزمینی است که در اثر معاهده صلح میان حاکم اسلامی و ساکنان این سرزمین، دارای تبعیت محدود از حاکمیت اسلامی است. (مصطفوی ۱۳۸۶: ۷۰) دارالکفر نیز بر مبنای این رویکرد «سرزمینی است که احکام کفر در آن به اجرا درآید.» (کاسانی، ۱۳۹۴م، ج ۹: ۴۳۷۵) و ابن قیم جوزیه در «احکام اهل ذمه» در ارایه یک ملاک کلی بیان کرده است: «سرزمینی که احکام اسلام در آن اجرا نشود، دارالاسلام نیست.» (جوزیه، بی تا، ج ۲: ۳۶۶)

این دیدگاه برای جمعیت و جریان احکام اسلامی، نقشی قائل نیست. بدین ترتیب مثلاً اگر در یک کشور اسلامی (مثل عراق یا فلسطین یا افغانستان) حکومتی اشغالگر کافر حاکم شود، آن کشور دیگر دارالاسلام نیست اگرچه اغلب مردم آن مسلمان باشند.

۴- داشتن امنیت برای مسلمانان

برخی دارالاسلام را در مقابل دارال‌الحرب گرفته و بر اساس صلح و جنگ تقسیم بندی کرده‌اند. باید توجه داشت که جنگ با کشورهای دیگر معنای دارال‌الحرب نمی‌دهد بلکه فقها در برخی مناسبت‌ها، تمامی سرزمین‌های کافر نشین را دارال‌الحرب و در مناسبت‌های دیگری دارالکفر یا دارالشُرک نامیده‌اند.

برای مثال در روایت ابی بصیر در مورد نفی بلد و تبعید برخی بزهکاران آمده است: «ینفی من بلاد الاسلام كلها، فان قدر علیه فی الشیء من الارض الاسلام قتل و لا امان له

یلحق بالارض الشرك» (عاملی، ج ۱۸، ابواب، حد المحارب، باب ۶: ۶)
 محمد بن احمد سرخسی دارالحرب را به گونه‌ی دیگری تعبیر کرده است، وی معتقد است که دارالحرب به جایی گفته می‌شود که مسلمانان در آنجا امنیت ندارند. (سرخسی، ۱۹۷۱، ج ۳: ۱۸)

۵- جمعیت و امنیت

دارالاسلام سرزمینی است که بیشترین مردم آن مسلمان باشند که در انجام امور دینی خود و اقامه شعائر اسلامی، از آزادی عمل و امنیت جانی و مالی برخوردار باشند و در روابط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه، نفوذ چشم‌گیری داشته باشند. این دیدگاه مورد پذیرش در سازمان کنفرانس اسلامی است و به این ترتیب هم اکنون بر اساس ملاک عنصر اکثریت جمعیت مسلمان مندرج در بند دوم از ماده (۳) منشور سازمان، ۵۷ کشور اسلامی (بند اول ماده (۳)) در سطح جهان وجود دارد، (http://www.oic-oci.org/member_states.asp) گرچه به تبع جدایی بخش جنوبی سومالی در همه پرسی ۲۰۱۱، پس از جریان فرآیند شناسایی احتمالی، یک کشور دیگر نیز به این تعداد افزوده خواهد شد.

۶- جمع نظرات و تحلیل واقع گرایانه

دیدگاه‌هایی که سعی کرده‌اند تا مجموعی از عناصر فوق‌الذکر را داشته باشند برای مثال دکتر سبحان البرتونی در الموسوعه العربیه المیسره شرایطی را برای دارالاسلام بر شمرده است که به قرار زیر است:

۱) حاکم بودن مسلمانان بر آن؛

۲) اجرای احکام اسلام در آن بدون قید و شرط؛

۳) امنیت مالی و جانی غیر مسلمانان ساکن در آن جا؛

۴) بیشترین مردم آن مسلمان باشند. (البرتونی، ۱۹۹۵: ۷۷)

نظر دیگری هم از سوی دکتر وهبه زحیلی به این صورت ارایه شده است که دارالاسلام به جایی گفته می‌شود که شریعت اسلامی در آن پیاده می‌شود و حاکمی مسلمان بر آن حکمرانی می‌کند و مردم آن را مسلمانان و غیر مسلمانان تشکیل می‌دهند ولی ساکنان غیر مسلمان آن تحت شرایطی در برابر حکم اسلام تسلیم هستند و حکومت اسلامی، از جان و مال آنها نگهداری می‌کند و مقصود از غیر مسلمان در اینجا اهل کتاب هستند. (زحیلی، ۱۹۷۴: ۱۶۹)

پس ایشان هم عناصر تشکیل دهنده دارالاسلام را سه چیز می‌داند و به نظر نگارنده

دیدگاه اخیر بیش از سایر نظریات با واقعیت انطباق دارد و می‌تواند مبتنی بر اصل وحدت میان کشورهای اسلامی منافی که به مصلحت جهان اسلام است را در برداشته باشد. چرا که اصل وحدت و ضمناً تحمل عملی اجرای قواعد ناظر به دارالاسلام از جمله تعاون برای اجرای تام و نافذ الگوی جامعه مطلوب اسلامی، امنیت و توسعه و همچنین مقابله با دارالحرب را نسبت به سایر نظریات بیشتر دارد. به این ترتیب با توجه به کلیدواژه‌هایی که در اصل یازدهم به آنها اشاره شد دارالاسلام نتیجه جمع سه عنصر مادی به شرح زیر است:

(۱) **بیشترین جمعیت مسلمان باشد تا شکل‌گیری مفهوم ملت اسلامی به عنوان عنصر جمعیتی کشور مزبور حاصل گردد؛**

(۲) **به احکام و قانون اسلامی عمل شود که مبین امنیت مسلمانان در انجام تکالیف دینی و مذهبی‌شان نسبت به خود و جامعه در تمامیت احکام شرعی است؛**

(۳) **حکومت به دست مسلمانان باشد که در واقع ضمانت اجرای حداقلی عمل به احکام اسلامی و تحقق آرمان همگرایی و اتحاد است.** با این وجود باید دقت داشت که میان حکومت مسلمانان و حکومت اسلامی تفاوت در نظریه حاکمیت وجود دارد، ولی سیاست همگرایی با حداقل حکومت مسلمانان می‌تواند محقق شده و با حکومت اسلامی به حد اعلاء خود برسد.

به نظر نگارنده دیدگاه اخیر بیش از سایر نظریات با واقعیت انطباق دارد و می‌تواند مبتنی بر اصل وحدت میان کشورهای اسلامی منافی که به مصلحت جهان اسلام است را در برداشته باشد. چرا که اصل وحدت و ضمناً تحمل عملی اجرای قواعد ناظر به دارالاسلام از جمله تعاون برای امنیت و توسعه و همچنین مقابله با دارالحرب را نسبت به سایر نظریات بیشتر دارد. به همین دلیل نیز خدای سبحان به مومنان خطاب می‌کند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۲۰۸) که همگی راه صلح و اتحاد و زندگی مسالمت آمیز را در پیش گیرید و در حاکمیت امن و صلح خدا (دولت اسلامی) وارد شوید. در اینجا «سلم» به معنای صلح و سازش و اتحاد و برادری در حوزه اسلامی است؛ نه دعوت به اسلام، چون آیه خطاب به مومنان است و آنان را در محدوده داخلی ایمان و اسلام، به انقیاد و اتحاد اسلامی فرا می‌خواند و از تفرقه درون گروهی بازمی‌دارد. واژه «کافه» نیز به معنای جمیع همراه است. بنابراین اگر درمیان دو طرف درگیر، یکی موافق سازش و دیگری مخالف آن باشد، بر پایه

این خطاب هر دو موظف به رعایت ملائمت و صلح‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷) و از طرف دیگر آیه در کنار امر به پذیرش ولایت الهی، واجد نهی نیز می‌باشد، نهی از پذیرش ولایت دون‌الله که با خطوات و وسائس شیطانی منافقین و اقدامات دشمنان رقم می‌خورد. به عبارت دیگر با معین شدن اینکه کدام نظریه در جهت دارالاسلام دانستن کشورها مورد نظر است باید دید که آیا صرف همین «حکومت مسلمانان» نامیده شدن کفایت می‌کند؟ به عبارت فقهی لفظ «مسلمان» کفایت از دلالت اعمی می‌کند یا دلالت صحیحی ملاک است؟ در اینجا نظر مختار همان دلالت صحیحی است، زیرا نام مسلمان می‌تواند به نفاق هم بر حسب ظاهر عنوان گردد چراکه دورویی ناشی از نفاق، منافق را به ظاهری مسلمان می‌نمایاند و خطر حاصل از این دورویی برای دارالاسلام بسیار گران است. همچنین حضرت علی (ع) بر دوری از منافقان اصرار و آنها را مطرود می‌داند: «ایاک و التَّفَاقُ فأن ذالوجهین لایکون وجهاً عند الله»، حضرت لزوم این حذر را در خطری ناشی از نفاق برای امت اسلامی از قول رسول اکرم (ص) به ابوبکر در نامه (۲۷) نهج البلاغه چنین توضیح می‌دهد که «و لقد قال لی رسول الله: انی لا اخاف علی امتی مؤمنا و لا مشرکا، اما المؤمن فیمنعه الله بایمانه و اما المشرک فیقمعه الله بشرکه، و لکنی اخاف علیکم کل منافق الجنان عالم اللسان، یقول ما تعرفون و یفعل ما تنكرون»^{۱۴}؛ و قرآن نیز بر دوری از آنها به سبب عداوت پنهان و خطرناکشان تأکید می‌نماید: «هم العدو فاحذرهم» (آیه ۴) سوره منافقون). همچنین بر اساس صراحت آیه (۱۴۰) سوره نساء قرآن کریم، نفاق در ردیف کفر دانسته شده: «إنَّ الله جامعُ الْمُنافِقینَ وَ الْکافرینَ فی جَهَنَّمَ جَمیعاً» آنچه‌ان که به علت اضرائی که به مسلمین و کرامت انسانی به علت دورویی وارد کرده‌اند مستوجب هیچ تسامح و تخفیفی نیستند «إنَّ الْمُنافِقینَ فی الدَّرکِ الاسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ کُنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصیراً» (آیه ۱۲۵) سوره نساء) و ضمناً قرآن نفاق را شعبه‌ای از فسق اعلام می‌کند «انَّ الْمُنَافِقینَ هم الْفاسقون» (آیه ۶۷) سوره توبه) چراکه «فاسق آن کسی است که از لحاظ اعتقادی عقاید دین را باور دارد لیکن در مرحله عمل، پایبندی شایسته‌ای به دستورات دینی از خود نشان نمی‌دهد و در عمل خارج از دین حرکت می‌کند.» بر این اساس صرف ظهور عناصر مادی و یا تظاهر به آنها کفایت نمی‌کند. همانطور که امام صادق دلالت اعمی از عنوان مسلمان بودن را ملاک نمی‌داند. در خبر حارث ابن مغیره از امام صادق (ع) روایت می‌کند که: «مسلمان برادر

مسلمان است او چشم او و آینه او و راهنمای اوست، فریض نمی‌دهد، به او ستم روا نمی‌دارد، به او دروغ نمی‌گوید و غیبتش را نمی‌کند.» (کافی ۱۶۶/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اخوه المومنین، حدیث ۵) و همچنین از ایشان نقل است که «کسی که صبح کند و به امور مسلمین اهتمام نوزد مسلمان نیست، و کسی که بشنود فریاد مردی را که می‌گوید: ای مسلمانان، و پاسخ او را ندهد مسلمان نیست.» (کافی ۱۶۴/۲، کتاب ایمان و کفر، باب اهتمام به امور مسلمین، حدیث ۵) گذشته از روایات مذکور آیه ۲۹ سوره فتح هم یک معیار بسیار کاربردی برای شناخت مسلمانان و کشورهای اسلامی می‌دهد: «الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^{۱۵} بر اساس این آیه هر دولتی که حتی اگر به اسم یا تحت قواعد مذکور اسلامی نامیده شود ولی با کفار و دشمنان جهان اسلام روابط دوستانه و متقابلاً با کشورهای اسلامی روابط خصمانه و یا تیره‌ای داشته باشد^{۱۶} هرگز یک کشور اسلامی نیست بلکه تنها بطور ظاهری یک کشور اسلامی نامیده می‌شود و بدون تردید سیاست خارجی کشور مزبور منافقانه است. به این ترتیب در کنار عناصر سه‌گانه فوق‌الذکر لازم است بین مقاصد مورد نظر که جنبه معنوی دارد و می‌توان آن را عنصر معنوی دانست با عناصر سه‌گانه که جنبه مادی دارد و می‌توان از آن با عنوان عناصر مادی یاد کرد مغایرت و تعارضی وجود نداشته باشد، وقوع این تعارض و عمل مخل به مصلحت دارالاسلام در واقع حصول نفاق و قطعاً مخل به اصل همگرایی در دارالاسلام است.

این نفاق هم اکنون در دوستی برخی کشورهای عربی با رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا^{۱۷} به وضوح قابل مشاهده است. رابطه با این کشورها نمی‌تواند از قواعد برادرانه تبعیت کند. بدین ترتیب اگرچه برای جلوگیری از بیشتر شدن شکاف در پیکر جهان اسلام و ضربه رسیدن به مصالح اتباع مسلمان آنها نمی‌توان حکم دولت‌های کافر را بر آنها جاری کنیم ولی الزاماً باید در هر رابطه و طرح‌ریزی از قواعد احتیاطی و تأمینی به نحو احسن بهره برد.^{۱۸}



<http://www.gl.iit.edu/govdocs/maps/maps.htm>

ائتلاف و وحدت با دولت‌های دارالاسلام

۱- اصول و استراتژی ارتباط مبتنی بر اتحاد

۱-۱- اصول و مبانی ارتباط مبتنی بر اتحاد

ارتباط معنوی، تفاهم کامل و اعتقاد به یک سری از مبانی بنیادین برای هر دسته و گروه می‌تواند ریسمان بسیار مستحکمی برای وحدت و ایجاد تعاون باشد. به عبارت دیگر در هر مجموعه‌ای تفاوت‌های مادی کم و بیش متضادی وجود دارد ولی این تفاوت‌ها چه مربوط به جغرافیا یا رنگ پوست باشد و چه مربوط به زبان و خط، اگر فرهنگ و اعتقادات مشترکی میان آنها حاکم باشد نه تنها مسئله‌ی برخورد منافع به صورت عادی حل می‌گردد بلکه قواعد ناظر به تعاون و هم‌پیشرفتی بر اعضا حاکم می‌شود.^{۱۹}

مفهوم وحدت و همگرایی با توجه به وضعیت موجود در واقع دلالت دارد بر «فرآیندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می‌شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به سمت مرکز جدیدی که نهادهایش دارای اختیارات قانونی مقتضای اختیارات قانونی فرای اختیارات ملت - کشورها باشد سوق دهد.» (سیف-زاده، ۱۳۶۹: ۱۹۱) در روابط بین الملل، پیمان اتحاد انگلیس و پرتغال^{۲۰} در سال ۱۳۷۳ میان پادشاهی انگلستان قدیمی ترین اتحاد در جهان است که همچنان نافذ است. بعد از آن نیز اتحادهای قابل توجهی در عرصه بین‌المللی صورت گرفته که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از اتحاد مقدس^{۲۱} که ائتلافی از روسیه، اتریش و پروس در سال ۱۸۱۵، اتحاد چهارگانه^{۲۲} (همانند اتحاد چهارگانه اوت ۱۶۷۳ بین امپراتوری مقدس روم، پادشاهی اسپانیا، چارلز چهارم، دوک لورن، و هلند، همچنین اتحاد چهارگانه ۱۷۱۸ بین اتریش، فرانسه، جمهوری هلند و...)، اتحاد سه گانه^{۲۳} (که تعداد آن بسیار است و اولین مورد در ۱۵۶۹ میان انگلیس، فرانسه و جمهوری هلند مستقر شد)، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^{۲۴} ۱۹۴۹ و اتحادیه اروپا^{۲۵} با ۲۷ کشور اروپایی که به پیمان ذغال سنگ و فولاد جامعه اروپا^{۲۶} و جامعه اقتصادی اروپا^{۲۷} از سال ۱۹۵۰ تا کنون برمی‌گردد.

با توجه به فلسفه دعوت انبیا درخصوص برطرف کردن اختلافات و ایجاد وحدت و الفت میان انسان‌ها در واقع بشریت با عنوان معرفه الناس یک امت بوده‌اند.^{۲۸} بر اساس این

تفکر اصیل توحیدی، هرگز عواملی چون نژاد و زبان و قومیت، مرز جغرافیایی و سنت‌ها و فرهنگ‌ها نمی‌تواند به عنوان عامل تفرقه و تجزیه و جدایی در میان امت اسلامی قابل قبول باشد و باید برای همه ملل اسلامی مسئله وحدت امری اعتقادی و هدفی راهبردی متخذ از اهداف اصیل قرآنی و توحیدی باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۴۲) اسلام در واقع بر همین نقطه دست می‌گذارد و اتباع خود را از فضای دولت-کشور و بنیان‌های غیراعتقادی همانند وستفالیای بیرون می‌کشد، تفاوت‌های غیر فکری و کاملاً مادی را مانع یکی شدن نمی‌داند و مبنا را فکر و عمل منبعث از آن اعتقاد قرار می‌دهد، تا جایی که این همگرایی را نه به اسلام بلکه به مرزهای معتقدین به حقیقت و اهل کتاب نیز تسری می‌دهد و عنوان می‌کند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴)

بر همین اساس اسلام جامعه‌ای را با عنوان «امت» فارغ از مرزهای مادی و شکلی ترسیم می‌کند و همی اشخاص آنرا (اعم از حقیقی و حقوقی) را متعهد به سرنوشت یکدیگر و مسئول جهت تحقق اهداف میانی و نهایی می‌نماید. این تعهد تا جایی بنیادین و مبنایی است که قبل از آنکه بشر در قرن هفدهم تنها به شعارهایی چون «برادری، برابری و آزادی»^{۲۹} برسد اعضای جامعه‌ی اسلامی رسماً با یکدیگر برادر شدند.^{۳۰} این برادری دینی سنگ بنای ایجاد «امت واحده» است و آیه (۵۲) سوره‌ی مومنون نیز به این یگانگی فکری اجتماعی چنین اشاره می‌کند که: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون»^{۳۱} و به طور واحد آیه بعد هر دو آیه تصریح دارد بر مراقبت بر تفرقه به عنوان عملی مذموم و بر خلاف مصلحت جامعه اسلامی: «وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ»^{۳۲} و «فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلٌّ حِزْبٌ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ»^{۳۳}.

در مقدمه اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره، ۱۴۱۱ قمری) با اشاره به سیاست همگرایی امت اسلامی و توجه به توانایی تمدنی این امت در ارایه راه حل همگرایی و خروج از نزاع‌های انسانی علی‌الخصوص مبتنی بر نظریه دولت ملی آمده است: «ضمن تأکید بر نقش تمدنی و تاریخی امت اسلامی که خداوند آن را بهترین امت برگزید، تا این امت یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید، تمدنی که می‌تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را به هم پیوندد. لذا از چنین امتی، امروزه انتظار می‌رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج و مسلک‌هایی که در حال رقابت متضاد هستند اقدام نموده و راه حل‌هایی برای مشکلات مزمن

تمدن مادی ارائه دهد. و به جهت ایفای سهم خود در تلاش‌های بشری که مربوط به حقوق بشر است، حقوقی که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره‌کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافت‌مندانه‌ای دارد که با شریعت اسلامی هماهنگ است... و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از دین مسلمین است، پس هیچ‌احدی به طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی، یا زیرپا نهادن یا چشم‌پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتاب‌های خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی به عمل آورده است، ندارد. بنابراین، مراعات آنها، عبادت است و کوتاهی از آنها، یا تجاوز بر آنها، منکر است و هر انسانی به طور منفرد، مسئول پاسداری و اجرای آن است و امت به گونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن، مسئولیت دارد.»^{۳۴}

از نگاه شیعه راهبرد وحدت جهان اسلام و همبستگی ملل مسلمان جهان اسلام می‌تواند زمینه موثری برای آمادگی در جهت تحقق «اندیشه حکومت متحد جهانی مهدوی» و حرکتی فعال در جهت اجرایی کردن اصل «انتظار فرج» باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۴۳) در واقع فرآیند جهانی شدن بر اساس فطرت انسانی که گرایش به توحید، خداپرستی و امر ظهور دارد از همبستگی کشورهای مسلمان و تلاش آنها در تسریع و تحقق جامع این آرمان می‌بایست پیروی نماید. چنانکه تحولات بین‌المللی متأثر از بیداری اسلامی در جهان، زمینه‌های همبستگی واقعی و پایدار را در دهه دوم قرن بیست و یکم بیش از پیش فراهم آورده و موج اسلام‌گرایی نیز بر شکوفایی و ایجاد استعدادهای جدید وحدت با محوریت اسلام افزوده است.

پس در امت اسلامی همه‌ی اتباع و اعضا از تساوی کاملاً پیشرفته‌ای با عنوان «برادری» بهره‌مند هستند. این برادری علاوه بر مفهوم تساوی بر مفاهیم دیگری چون اهمیت داشتن سرنوشت سایرین و لزوم مشارکت مثبت در تعالی آن، حس ایثار و از خودگذشتگی و احترام دلالت دارد.

۱-۲- استراتژی و ضمانت اجراء ارتباط برای اتحاد

۱-۲-۱- استراتژی و ابزار ارتباط برای اتحاد

در مقام تسری حکم برادری به کشورهای اسلامی با لحاظ اینکه برخی ضروریات زندگی بشری ایجاد کشورهای مستقل را در زمان حال ایجاب کرده است باید به خاطر داشته باشیم که روح برادری مرز و تفاوت ظاهری نمی‌شناسد و هر مسلمانی مشمول این برابری و تعهد نسبت به دیگر برادرانش می‌شود. پس کشورهای مسلمان نیز باید در عرصه-

ی بین‌المللی همانند یک پیکر واحد با مشکلات و بحران‌ها مقابله کنند و راه پیشرفت و توسعه‌ی جمعی را هموار سازند. پیامبر اکرم (ص) در حجه الوداع خطاب به مردم بیان کردند: «ای مردم سخن مرا بشنوید و به جان بسپارید، بدانید که هر مسلمان برادر مسلمان دیگر است و مسلمانان با یکدیگر برادراند و برای هیچ کس چیزی جز برادرش روا نیست مگر آنچه را با رضا و رغبت خود به وی داده است، پس هرگز به جمع خود ستم روا ندارید.» (کافی ۱۰۳/۱، کتاب الحجه، باب ما امر النبی (ص) بالنصیحه لامه المسلمین، حدیث ۱) از بیان مفهوم «برادری» در قالب فضای حج با توجه به اینکه حج بر اساس صراحت آیه (۹۷) سوره مائده که مقرر می‌دارد: «جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس»^{۳۵} و دلالت عبارت «قیاما للناس»^{۳۶} یک کنگره واجب^{۳۷} عظیم جهانی مسلمانان از هر قوم و تابعیتی است «استفاده می‌شود که غرض و فلسفه تشریح حج در دین مبین اسلام، فقط انجام اعمال ظاهری و صوری نیست، زیرا در آن صورت قوام و قیامی بر آن مترتب نمی‌شود؛ بلکه هدف از تشریح آن، اجتماع مسلمانان توانمند و متمکن از سراسر شهرها و کشورهای اسلامی در یک نقطه معین و آشنایی و تفاهم آنان با یکدیگر است، تا در سایه این تعاون و تفاهم با یکدیگر همکاری و همیاری نموده و روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی برقرار نمایند.» (منتظری، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۱۱) همچنین در تعلیل وجوب حج و نقش ابزاری آن که تأمین مصلحت مسلمانان است در خبری از هشام بن حکم، امام جعفر صادق (ع) بیان کرده‌اند: «... خداوند سبحان مردم را به انجام حج مأمور نمود به خاطر اطاعت در دین به جهت مصالح آنان در کارهای دنیایشان، خداوند سبحان اجتماع مردم از شرق تا غرب را در آنجا قرار داد تا یکدیگر را بشناسند و هر قوم و نژادی اموال و دارایی خود را از شهری به شهر دیگر حمل کنند تا در این رابطه حمله دار و شتردار سود ببرند (باربری و حمل و نقل و تجارت رونق یابد) و نیز به خاطر اینکه مردم آثار رسول الله (ص) و اخبار او را بشناسند و بفهمند و همیشه در خاطره‌ها بماند و به فراموشی نگراید. اگر هر قومی در شهر و دیار خود بمانند و راجع به آنها فقط سخن گویند، مردم هلاک، شهرها خراب و کسب و تجارت از رونق می‌افتد و اخبار به گوش مردم نمی‌رسد و مسلمانان از جریانات بی‌خبر می‌مانند... پس این است (ای هشام) علت وجوب حج.» بدین ترتیب و مستفاد از آیات و روایات متعدد گرچه حج یک ابزار بسیار مناسب در جهت تأمین تعلق و تعهد به برادری است ولی دارای موضوعیت برای تعاون و تعالی مسلمانان است. در نتیجه سیاست خارجی دولت‌های

اسلامی با یکدیگر در جهت رسیدن و تحقق اهداف زیر باید متمرکز گردد:

۱- احساس مسئولیت جمعی و آگاهی از اوضاع یکدیگر؛

۲- مقابله جمعی با مخاطرات و بحران‌ها؛

۳- هم‌افزایی و کمک متقابل برای وحدت و پیشرفت سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی.

بر این اساس اولویت برقراری ارتباط و توسعه ارتباطات موجود میان کشورهای اسلامی نیز در هر حوزه یک امر لازم الاتباع است؛ چنانکه متخذ از قالب عملکردی حج، ایجاد سازمان‌هایی که با رعایت اصول برابری و برادری میان مسلمانان و طرد هرگونه تبعیض به هر عنوان (همانند تابعیت، قومیت، نژاد و ...) بتوانند موجبات تأمین اهداف فوق را فراهم آورند از اولویت‌های کشورهای اسلامی است. نتیجه تحقق چنین برنامه‌ای عبارت است از:

اولاً سرنوشت کشورهای اسلامی بیشتر از گذشته به یکدیگر گره می‌خورد و این بر

یکی شدن و وحدت‌گرایی میان این کشورها تعمیق بیشتری می‌دهد؛

ثانیاً منافع هر اقدام بین المللی همانند سرمایه‌گذاری بین‌المللی، ایجاد سازمان‌های

اقتصادی مشترک، انعقاد قراردادهای امنیتی در اولین گام عائد کشورهای اسلامی می‌شود؛

ثالثاً مانع ایجاد تهدیدها و مخاطرات بین‌المللی یا منطقه‌ای علیه اعضا می‌گردد^{۳۸} و مهمتر از همه شکاف سطح توسعه‌یافتگی کشورهای اسلامی را کمتر می‌کند. حاصل این استراتژی در سیاست خارجی آن است که دیگر یک کشور اسلامی در بدترین وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قرار نمی‌گیرد و کشور دیگر دارای درآمد ناخالص ملی بسیار هنگفت نمی‌گردد. شکاف کنونی ناشی از روابط غیر اولویت‌بندی شده‌ی کشورهای اسلامی و عدم توجه به معیارهای دینی است. تاکید بر مسایل نژادی، قومی و مادی در سیاست خارجی کشورهای اسلامی همانند تاکید بر عربیت، نزاع شیعه و سنی و ایجاد سازمان‌های موازی و غیر هماهنگ با سازمان کنفرانس اسلامی (مخصوصاً در زمینه‌ی تهدید نظامی کشورهای اسلامی همانند افغانستان، عراق و غزه) مهمترین گواه بر شکاف حاصل در جهان اسلام است.

۱-۲-۲- ضمانت اجرای ارتباط همگرا برای اتحاد

الف) سازمان برای ارتباط

سازمان همکاری‌های اسلامی^۱ در واقع اولین ابداع کشورهای اسلامی در جهت ایجاد

۱. (Organisation of Islamic Cooperation) (OIC)؛ منظمة التعاون الاسلامی

ارتباط نظام یافته و رو به رشد میان آنها در قالب بیست هدف مندرج در ماده (۱) منشور سازمان کنفرانس اسلامی بود. علی‌الخصوص تمامی کشورهای اسلامی، کشورهای جهان سوم و غالباً تازه استقلال یافته بودند. سازمان کنفرانس اسلامی در قالب کنفرانس‌های سران مهمترین تصمیمات خود را در قالب قطعنامه‌هایی که جنبه لازم الاجرا می‌بایست برای کشورهای عضو داشته باشد می‌گیرد و دبیرخانه به عنوان ابزار اجرایی موظف به تلاش پیگیر برای اجرا است. متأسفانه سازمان کنفرانس اسلامی به علت عدم تعهد اعضا به این سازمان و آرمان‌های آن چندان موفق نیست.

اولین کنفرانس سران اسلامی از ۱۲ تا ۱۹ رجب ۱۳۸۹ ه. ق برابر با ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ میلادی در رباط مراکش همراه با تصویب میثاق سازمان کنفرانس اسلامی در ۳۹ ماده تشکیل شد. این کنفرانس حریق عمدی در مسجدالاقصی و وضع خاورمیانه پس از این واقعه را مورد بررسی قرار داد. ۲۵ کشور در این اجلاس شرکت نمودند. اهم تصمیمات متخذه در این کنفرانس به عنوان مبانی و بسترهای تصمیمی کنفرانس برای همکاری‌های آتی این سازمان مبتنی بر محورهای زیر در جهت همگرایی و البته اتحاد در مقابل تهدیدات (علی‌الخصوص رژیم اشغالگر قدس) به شرح زیر بود:

- تحکیم همبستگی دولت‌های اسلامی و بسط تفاهم مشترک بین آنان و حفظ ارزش‌های معنوی، اجتماعی و اقتصادی اسلام با تأکید بر اصل برابری حقوق در بین همه افراد بشر؛
- اعلام وفاداری نسبت به منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر و تقویت روابط معنوی و برادری در بین کشورهای اسلامی و حمایت از آزادی، فرهنگ و تمدن مشترک بر مبنای عدالت و اجتناب از تبعیضات؛
- ابراز اشتیاق نسبت به توسعه رفاه، پیشرفت و آزادی یکدیگر و کوشش در جهت حفظ صلح و امنیت به منظور گسترش همکاری فی‌مابین در زمینه‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و معنوی که از تعالیم فناپذیر اسلام الهام می‌گیرد؛
- شرکت کنندگان در کنفرانس، از همه دولت‌ها به ویژه دولت‌های فرانسه، انگلیس، شوروی و آمریکا می‌خواهند که وابستگی عمیقی که پیروان اسلام نسبت به شهر بیت المقدس دارند و تصمیم دولت‌های اسلامی برای آزادسازی این شهر را از نظر دور ندارند و اعلام کنند که ادامه اشغال نظامی سرزمین‌های ممالک عرب به وسیله

اسرائیل از ژوئن ۱۹۶۷ و بی‌اعتنائی کامل آن کشور به توصیه شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر عدم انضمام بیت المقدس، موجب عمیق‌ترین نگرانی‌ها برای ملت‌ها و دولت‌های اسلامی شده است؛

- شرکت کنندگان در کنفرانس، متأثر از واقعه غم‌انگیز فلسطین، حمایت کامل خود از مردم این سرزمین در مبارزاتشان به خاطر اعاده حقوق و نیل به آزادی را اعلام می‌دارند. (<http://www.oic-oci.org>)

(ب) سیاست جلوگیری از اختلاف و بغی

آیه (۹) سوره حجرات الزام و ضمانت اجرای سیاست همگرایی را بر دو قاعده نرم (میانجی‌گری) و لوازم سخت بنیان می‌نهد؛ به این ترتیب که «و ان طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فاصلحوا بینهما فان بغت احدهما علی الاخری فقاتلوا التی تبغی حتی تفتی الی امرالله». اگر دو طایفه از اهل ایمان با یکدیگر به جنگ و بغی (خروج از نظام واحد تحت حاکمیت امام) برخیزند شما در میان آنان صلح برقرار کنید، و اگر یک دسته از آن دو با دیگری ستم کرد با طایفه ظالم و باغی قتال کنید تا به امر خدا که همان وحدت و تعاون است باز گردد. صاحب جواهر در توضیح شرایع در ذیل بحث وجود جهاد علیه طائفه باغی بیان می‌دارد: «هیچ اختلافی بین عموم مسلمانان چه رسد به مؤمنین [شیعه امامیه] در مورد وجوب جهاد با شورشگران علیه امام عادل نیست. بلکه اجماع به هر دو شکل آن [اجماع محصل و منقول] بر وجوب آن دلالت دارد، و بالاتر اینکه حکایت و نقل هر دو قسم اجماع به حد مستفیض است، چنانچه روایات متعدد و مستفیضه‌ای از طریق فریقین بر وجوب آن رسیده است.» (منتظری، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۳۷) به این ترتیب گرچه منطوق اصل (۱۱) مبتنی بر جنبه مثبت (ایجابی) همگرایی است ولی با استناد به موازین اسلامی حاکم بر روح کلی مفاد قانون اساسی (اصل چهارم) و تصریح قرآن به لزوم رفع عامل تفرقه و تأکید اصل دوم قانون اساسی بر اینکه حاکمیت و تشریح صرفاً به خدای یکتا اختصاص داشته و وحی الهی دارای جایگاه محوری در قانونگذاری است می‌توان گفت که همین اصل دارای وجه سلبی درخصوص مبارزه با عوامل رافع یا ناقض همگرایی می‌باشد.

۲- عینیت بخشیدن به اصول در قالب قوانین و مقررات ملی

جمهوری اسلامی ایران با به رسمیت شناختن تمامی مذاهب اسلامی اصیل و حمایت از آنها در قالب اصل (۱۲) و تأکید بر مفهوم اسلام به عنوان معیار کلی (همانند اصول ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ...) در قانون اساسی و قوانین عادی سیاست تقریب و برابری مذاهب را در

داخل کشور با شیوه‌های قانونی دنبال و از این رهگذر امکان تحقق آن را در سطح بین المللی و قلمرو وسیع «دارالاسلام» نشان می‌دهد. (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۲۴۳) فرآیند قانونگذاری گرچه متأثر از اصل سرزمینی بودن است، با این وجود مبانی اصل یازده بستری برای توسعه مناسبات با سایر کشورهای اسلامی و حمایت از وضعیت‌های بین المللی اسلامی را به وجود آورده و در همین راستا سیاست‌های کلی^{۳۹} دوره چشم‌انداز (ایران ۱۴۰۴) و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله نیز به عنوان راهبردهای این دوره بیست ساله بر تعمیق این رابطه تأکید نموده است، چنانکه اجزاء متعددی به شرح زیر علاوه بر قوانین قابل توجهی که در این زمینه وضع شده‌اند به بیان اصول این جهت‌گیری پرداخته‌اند و انتظار می‌رود نمود آنها در قوانین و تصمیمات حاکمیتی بیشتر گردد:

الف) سیاست‌های کلی

الف-۱) سیاست‌های کلی دوره چشم‌انداز (ابلاغی ۱۳۸۴)

- ۱۹- جهت‌گیری روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای گسترش همکاری و حضور کارآمد در مجموعه‌ها و معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی
- ۲۰- توسعه همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای دوست، منطقه و اسلامی و مشارکت بین‌المللی برای حفظ صلح

الف-۲) سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و ضوابط و مقررات لازم برای شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای

- ۷- اقدام مناسب برای دستیابی به میثاق‌ها و مقررات بین‌المللی و ایجاد اتحادیه‌های اطلاع‌رسانی با سایر کشورها به ویژه کشورهای اسلامی به منظور ایجاد توازن در عرصه اطلاع‌رسانی بین‌المللی و حفظ و صیانت از هویت و فرهنگ ملی و مقابله با سلطه جهانی.

الف-۳) سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

- ۲۸- ثبات در سیاست خارجی براساس قانون اساسی و رعایت عزت، حکمت و مصلحت و تقویت روابط خارجی از طریق:...
- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین.
- تلاش برای همگرایی بیش‌تر میان کشورهای اسلامی.
- ۳۰- تحکیم روابط با جهان اسلام و ارائه تصویر روشن از انقلاب اسلامی و تبیین

دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی.

۳۱- تلاش برای تبدیل مجموعه کشورهای اسلامی و کشورهای دوست منطقه به یک قطب منطقه‌ای اقتصادی، علمی، فناوری و صنعتی.

الف (۴) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

۳۹- اعتلاء شأن، موقعیت و اقتدار و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین الملل به منظور تحکیم امنیت ملی و پیشبرد منافع ملی با تأکید بر:...

۳۹-۷- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به ویژه ملت فلسطین.

۳۹-۸- تلاش برای همگرایی بیش تر میان کشورهای اسلامی.

ب) قوانین

۱) قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به موافقتنامه مصونیت‌ها و مزایای سازمان کنفرانس اسلامی مصوب ۱۳۵۷/۳/۱۷؛

۲) قانون تصویب اساسنامه اتحادیه مخابراتی دول اسلامی و اجازه تسلیم اسناد آن مصوب ۱۳۶۶/۴/۲۲؛

۳) قانون حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین ۱۳۶۹/۲/۱۹ و اصلاحیه ۲۹ مصوب ۱۳۸۴/۳؛

۴) قانون تصویب موافقتنامه نظام ترجیحات تجاری میان کشورهای اسلامی مصوب ۱۳۷۱/۷/۵؛

قانون تصویب قطعنامه اصلاح بند اول ماده ۶ منشور سازمان کنفرانس اسلامی مصوب ۱۳۷۲/۲/۵؛

۵) قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۶؛

۶) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقتنامه ارتقاء حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری فیما بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مصوب ۱۳۷۳/۴/۲۹؛

۷) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقتنامه عمومی همکاری‌های اقتصادی، فنی و بازرگانی فیما بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۷/۵؛

۸) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی مصوب ۱۳۸۰/۳/۲۱؛

۹) قانون عضویت مجلس شورای اسلامی در اتحادیه پارلمانی کشورهای عضو سازمان

کنفرانس اسلامی مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۸؛

۱۰) قانون الزام دولت به حمایت همه جانبه از مردم مظلوم فلسطین مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۱۱؛
 ۱۱) قانون عضویت دولت جمهوری اسلامی ایران در مرکز آموزش و تحقیقات اقتصادی،
 اجتماعی و آماری کشورهای اسلامی مصوب ۱۳۸۸/۳/۲۰؛
 ۱۲) قانون اعلام روز ۲۹ دی ماه به عنوان روز غزه نماد مقاومت فلسطین مصوب
 ۱۳۸۸/۸/۲۶.

ج) مصوبات و آیین‌نامه‌های دولت

در اجرای این قوانین مصوبات متعددی توسط مقامات، هیئت وزیران و شوراها عالی مربوط به تصویب رسیده است که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

۱) اجازه برگزاری سومین اجلاس وزرای ارتباطات کشورهای اسلامی در تهران توسط وزارت پست و تلگراف و تلفن مصوب هیئت وزیران ۱۳۷۰/۱۱/۲، در خصوص برگزاری همایش‌ها و نشست‌های کشورهای اسلامی دولت مصوبات متعددی را داشته تا از این طریق موجب همگرایی و کارآمد شدن مواضع سیاسی و مستحکم شدن و توسعه روابط اقتصادی و فرهنگی کشورهای اسلامی رأساً یا در قالب سازمان کنفرانس اسلامی گردد؛
 ۲) تصویب اساسنامه و تأسیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی مصوب مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۴؛

۳) برگزاری دومین اجلاس وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی مصوب هیئت وزیران ۱۳۷۵/۵/۱۰؛

۴) اجازه برگزاری اجلاس وزرای جهانگردی کشورهای اسلامی عضو سازمان کنفرانس اسلامی توسط سازمان ایرانگردی و جهانگردی مصوب هیئت وزیران ۱۳۷۹/۱/۱۷؛

۵) تصویب‌نامه راجع به وجوه پرداختی اشخاص برای کمک به انتفاضه فلسطین، به عنوان هزینه‌های مالیاتی مصوب هیئت وزیران ۱۳۸۰/۵/۲۴

۶) تعیین روز همبستگی با کودکان و نوجوانان فلسطینی [نهم مهرماه] مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۳۸۴/۸/۱۰؛

۷) تخصیص اعتبار برگزاری کنفرانس بین‌المللی حمایت از مردم فلسطین مصوب هیئت وزیران ۱۳۸۴/۷/۱۶؛

۸) ممنوعیت سفر اتباع ایرانی به سرزمین فلسطین اشغالی مصوب هیئت وزیران ۱۳۸۶/۱۰/۲.

جمع بندی و نتیجه گیری

استقرار مفهوم امت اسلامی و جهان اسلام بر مفهوم فقهی «دارالاسلام» و سیاست همبستگی منافع در قالب مفهوم «برادری» می‌تواند موجبات وحدتی کامل در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و علمی و فرهنگی را پدید آورد که از یک سو حکم صریح شرعی بر تحقق چنین خواسته‌ای وجود دارد و از سوی دیگر منافع عمومی و مصلحت عمومی جامعه اسلامی نیازمند آن است. به عبارت دیگر در فرآیند تحقق انقلاب اسلامی، تشکیل امت واحده یک هدف غایی محسوب می‌گردد. به این ترتیب، در واقع با شناخت مفهوم موسعی از کشورهای اسلامی می‌بایست سیاستی از همگرایی را دنبال کرد که تصریحاً مصلحت عمومی جامعه اسلامی که از جمله آن خیر عمومی مضمحل در توسعه و پیشرفت این کشورها است را تأمین نماید و متقابلاً با سیاست‌هایی که مخل به این همگرایی است از جمله ملی‌گرایی و نظام منحط و رو به افول «دولت ملی» با توانی سازمان یافته و دارای ضمانت اجراء موثر به مقابله پرداخت. و البته وجود اصل یازدهم در مجموع اصول کلی قانون اساسی - و همچنین سیاست‌های کلی نظام - نشانگر مطلوبیت نظام امت و امامت برای تشکیل حاکمیت جمهوری اسلامی و هوشمندی خبرگان قانون اساسی در درک ناکارآمدی نظام «دولت - ملت» است. به همین دلیل این اصل با قرائن مبرهن مندرج در مقدمه قانون اساسی، از مهمترین اصول مبین دولت مطلوب اسلامی به شمار می‌رود.

هدف سیاست همگرایی، ایجاد یک حکومت واحد جهانی است که مبتنی بر احکام اسلامی، جامعه‌ی سعادت‌مند از تمامی بشریت را با رعایت اصل حکومت عدل در خود جای داده است. و اساساً این دیدگاه عمیق و ریشه‌دار اسلامی، استقرار حکومت اسلامی را در ظرف نظریه دولت ملی منکر شده و به دنبال تغییر وضعیت سیاسی موجود به سمت وضعیت سیاسی مطلوب است. چراکه به همان دلیلی که ایجاد حکومت برای اسلام موضوعیت دارد به همان دلیل طرد نظریه دولت ملی مورد توجه و تأکید است.

منابع و مأخذ

- ۱ - البرتونی، سبحان (۱۹۹۵) الموسوعه العربیة المیسره، قاهره: دارالشعب.
- ۲ - پورا احمدی، حسین (۱۳۸۹)، اسلام و روابط بین الملل، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳ - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، روابط بین الملل در اسلام، قم: مرکز نشر اسراء.
- ۴ - جوزیه، ابن قیم محمد بن ابی بکر (بی تا)، احکام اهل ذمه، بیروت: دارالعلم للملایین.
- ۵ - حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشریعۀ، قم: آل بیت.
- ۶ - راغب اصفهانی ابی القاسم الحسین بن محمد (۱۳۸۷) کتاب المفردات فی غریب القرآن، تهران: آرایه.
- ۷ - الزحیلی، وهبه (۱۹۷۴م) آثار الحرب، دمشق: دارالحرب.
- ۸ - الزحیلی، وهبه (۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م) الفقه الاسلامی و ادلته: الشامل للادلله الشرعیه و الاراء المذهبیه و اهم النظریات الفقهیة و تحقیق الاحادیث النبویه و تخریجها، دمشق: نشر دارالفکر طبع چهارم.
- ۹ - سرخسی، محمد بن احمد (۱۹۷۱) شرح السیر الکبیر، چاپ صلاح الدین منجد، قاهره.
- ۱۰ - شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی (بی تا)، الدروس الشرعیه، قم: انتشارات مکتبه مفید.
- ۱۱ - شمس الدین، محمد مهدی (۱۴۱۵/۱۹۹۵)، نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، بیروت: موسسه الدولیه.
- ۱۲ - شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۰۱)، من لایحضره الفقیه، بیروت: دارالصعب - دارالتعارف.
- ۱۳ - شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۹۶ق) مبسوط، بیروت: دارالکتاب الاسلامیه.
- ۱۴ - صدر، محمد باقر (۱۳۵۹)، لمحہ فقیهیه تمهیدیہ عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران، تهران: بنیاد بعثت.
- ۱۵ - (۱۳۹۹ق)، خلافه الانسان و شهاده الانبیاء، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۱۶ - صورت مشروع مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۱)، تهران: اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی.
- ۱۷ - عباس نژاد، محسن و همکاران (۱۳۸۵) قرآن و حقوق، مشهد: بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- ۱۸ - علامه حلی (۱۴۲۷) تذکره الفقهاء، قم: دارالتقرب الاسلامی.
- ۱۹ - عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)، حقوق اساسی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۰ - (۱۳۸۶)، حقوق معاهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: سمت.
- ۲۱ - غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۸۷)، نظم عمومی و الزامات ناشی از حقوق بشر و شهروندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۲ - و اخوان فرد، مسعود (۱۳۸۹) ابعاد حقوقی جنگ اسرائیل علیه غزه (بررسی قوانین و مصوبات جمهوری اسلامی ایران پیرامون مسأله فلسطین)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- ۲۳ - (۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰)، مبانی حقوق شهروندی در دو دیدگاه مدرن و اسلامی، حقوق همشهری.
- ۲۴ - (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰)، چرا ناسیونالیسم نقیض کرامت انسانی است؟، حقوق همشهری.
- ۲۵ - قرائتی، محسن (۱۳۸۹)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۶ - کاسانی، علاء الدین ابوبکر بن مسعود (۱۳۹۴م)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتب العربی.
- ۲۷ - کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، اصول کافی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۵.
- ۲۸ - مجفی، محمد حسن (۱۹۸۱)، جواهر الکلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ۲۹ - ماوردی، ابی الحسن علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، قاهره: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
- ۳۰ - مصطفوی، سید محمد (۱۳۸۶)، حاکمیت و دولت از منظر اسلام، بهزادیان، مهدی، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- ۳۱ - مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، حج، تهران: صدرا.
- ۳۲ - (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، ج ۱۴، تهران: صدرا.
- ۳۳ - منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹)، مبانی فقهی حکومت اسلامی در اسات فی ولایت الفقیه، محمود صلواتی، تهران: انتشارات سرایی، ج ۲.
- ۳۴ - منتظری، حسینعلی (۱۴۰۸)، در اسات فی ولایت الفقیه، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ج ۲.
- ۳۵ - مهرین شوشتری، عباس (۱۳۷۲)، فرهنگ لغات قرآن، گنجینه: تهران.
- ۳۶ - واعظ زاده خراسانی، محمد (۱۳۶۸) سخنرانی‌ها و مقالات دومین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۳۷ - هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲) فرهنگ فقه، قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- 38- Abr. Frowein, Jochen (1987), 'Recognition of State', Encyclopedia of Public International Law, vol 10, PNHC.
- 39- <http://www.legifrance.gouv.fr>.
- 40- <http://www.oic-oci.org>.
- 41- Loi Constitutionnelle Francaise.
- 42- Luis Lugo & others (2009) Pew Research Center, Washington, D.C., 'www.pewforum.org'.
- 43- M.F.Wilky (1977) An Analysis of the Practice of Recognition, Harvard International law, vol 18.
- 44- w.taliafrou, Jeffery (2000) security seeking under anarchy, international security, vol 25, no3.

یادداشت‌ها

۱. در اصل پنجم و اصل پنجاه و هفتم و همچنین اصول یکصد و نهم و یکصد و پنجاه و هفتم نظام حاکمیت در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظام سیاسی اسلام، نظام «امت و امامت» است. بر اساس این نظریه سیاسی که مورد توجه و تأکید قانونگذار قانون اساسی بوده، بر تمامی عرصه جغرافیایی حکومت اسلامی که همان دارالاسلام است باید امام منصوب (بنصب خاص و عام) حاکم باشد و صرفاً حکومت وی حکومت مشروع از نظر اسلامی خواهد بود. توضیحات بیشتر زیر اصول مطروح خواهد آمد و البته متن اصول فوق‌الذکر به شرح زیر است:

اصل پنجم مقرر می‌دارد: «در زمان غیب حضرت ولی عصر "عجل الله تعالی فرجه" در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.» و همچنین اصل پنجاه و هفتم بیان می‌کند: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.» در تحلیل نظام امت و امامت، امام به نصب عام که همان رهبر است از نظر قانون اساسی باید واجد شرایطی به شرح اصل یکصد و نهم باشد: «شرایط و صفات رهبر:

۱ - صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛

۲ - عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛

۳ - بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی تر باشد مقدم است.» همچنین یکی از اصول بنیادین و اصطلاحاً فراقانون اساسی (Supraconstitutionelle) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام امت و امامت بر اساس بخش اخیر اصل یکصد و هفتاد و هفتم می‌باشد: «... محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.»

۲. چنانکه حضرت یوسف دعا می‌کند: «رَبِّ قَدْ أَتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَوَلِيُّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (۱۰۱ سوره یوسف).

۳. آیه (۵۹) سوره نساء در امر به تسلیم و اطاعت خداوند فرمان به اطاعت خدا و رسول خاتم و ائمه معصومین در راستای تسلیم الهی و اعتقاد به معاد کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.»

۴. البقره: ۱۲۸، البقره: ۱۳۴، البقره: ۱۴۱، البقره: ۱۴۳، البقره: ۲۱۳، آل عمران: ۰۴، آل عمران: ۱۱۰، آل عمران: ۱۱۳، النساء: ۴۱، المائده: ۴۸، المائده: ۶۶، الأنعام: ۳۸، الأنعام: ۴۲، الأنعام: ۱۰۸، الأعراف: ۳۴، الأعراف: ۳۸، الأعراف: ۵۹، الأعراف: ۱۶۰، الأعراف: ۱۶۴، الأعراف: ۱۶۸، الأعراف: ۱۸۱، الأنفال: ۳۲، یونس: ۱۹، یونس: ۴۷، یونس: ۴۹، هود: ۸، هود: ۴۸، هود: ۱۱۸، الرعد: ۳۰، الحجر: ۵، النحل: ۳۶، النحل: ۶۳، النحل: ۸۴، النحل: ۸۹، النحل: ۹۲، النحل: ۹۳، النحل: ۱۲۰، الأنبياء: ۹۲، الحج: ۳۴، الحج: ۶۷

المؤمنون : ۴۳، المؤمنون : ۴۴، المؤمنون : ۵۲، النمل : ۸۳، القصص : ۲۳، القصص : ۵، العنكبوت : ۱۸، فاطر : ۲۴، فاطر : ۴۲، الزمر : ۶، غافر : ۵، فصلت : ۲۵، الشوری : ۸، الزخرف : ۲۲، الزخرف : ۲۳، الزخرف : ۳۳، الجاثیة : ۲۸، الأحقاف : ۱۸.

۵. همانا این، امت شماست، امتی یگانه، و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستش کنید. (ترجمه آیا از تفسیر نور ارایه شده است.)

۶. و (از تفرقه بپرهیزید، ولی با این وجود) آنها کار خود را در میانشان به تفرقه کشاندند (و باید بدانند که سرانجام) همگی به سوی ما باز می گردند.

۷. وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (۵۲) یعنی: «و البته این امت شما امت واحدی است، و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید. وَ قَتَقَطُوا أَرْهَمَ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرْحُونَ (۵۳) یعنی «اما مردم کارشان را در میان خود به پراکندگی کشاندند، هر گروهی به راهی رفتند؛ و هر حزب و دسته‌ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند».

۸. اهل ذمه بر اساس قرار ذمه تبعه دولت اسلامی می شوند.

۹. بقره: ۱۲۰ و ۱۳۰ و ۱۳۵، آل عمران: ۹۵، انعام: ۱۶۱، اعراف: ۸۸ و ۸۹، یوسف: ۳۷ و ۳۸، ابراهیم: ۱۳، نحل: ۱۳۳، کهف: ۲۰، حج: ۷۸، ص: ۷.

10. Titre XV. De l'Union européenne.

11. le traité signé à Lisbonne le ۱۳ décembre ۲۰۰۷.

12. La Constitution- La Constitution du 4 Octobre 1958, Dernière mise à jour: 1er février 2010, <http://www.legifrance.gouv.fr/html/constitution/constitution2.htm#titre5>.

۱۳. برای مثال روایت اسحاق ابن عمار از امام صادق (ع)، وسایل الشیعه، ج ۲، ابواب نجاسات، ح ۵.

۱۴. من بر اتم از مؤمن و مشرک نمی ترسم، زیرا مؤمن را خداوند به سبب ایمانش باز می دارد و مشرک را به خاطر شرکش خوار می کند، و لکن بر شما از هر منافق دل دانا زبان می ترسم که آنچه را می پسندید می گوید و آنچه را ناشایسته می دانید می کند.

۱۵. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» یعنی «محمد (ص) پیامبر خداست؛ و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند».

۱۶. آیه ۱۳۹ سوره نساء این رفتار را به منافقان نسبت می دهد و آنرا به شدت نکوهش می کند: «الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكُافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتَهُمْ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» یعنی «همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می جویند؟ [این خیالی خام است،] چرا که عزت، همه از آن خداست.»

۱۷. خصوصت رژیم اشغالگر قدس که با ایجاد قواعد آپارتاید در اراضی فلسطین و آواره سازی بیش از پنج میلیون فلسطینی و لبنانی از وطن شان بر همه ی دولت های جهان - فارغ از هر نوع عقیده و سیاستی - آشکار است. سیاست های ضد اسلامی ایالات متحده آمریکا نیز با وقوع اتفاقات تروریستی ۱۱ سپتامبر و اشغال افغانستان و عراق کاملا مشهود می باشد به علاوه آنکه آمریکا حامی رژیم صهیونیستی و تمامی دولتهای غیر مردمی و دیکتاتوری منطقه خاورمیانه نیز می باشد.

۱۸. نص صریح آیه ۱۴۰ سوره ی نساء حکم منافقان را با کفار حربی یکی می داند: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْنَا فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْفَدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا

مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» یعنی «و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که: هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.»

۱۹. آیه (۱۰) سوره ی حجرات بر این برادری و روحیه تعاون چنین تأکید می‌کند که: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» یعنی: «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید.»

20. the Anglo-Portuguese Alliance.
21. Holy Alliance.
22. Quadruple Alliance.
23. Triple Alliance (disambiguation).
24. North Atlantic Treaty Organization (NATO).
25. European Union.
26. European Coal and Steel Community (ECSC) .
27. European Economic Community (EEC).

۲۸. آیه (۲۱۳) سوره بقره مقرر می‌داند: كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ بِنُوحٍ أُمَّةً فَبَعَثَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

۲۹. - مقدمه قانون اساسی فرانسه با الهام از اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه، «آزادی، برابری و برادری» را شعار جمهوری لایبک فرانسه می‌داند:

«Le peuple français proclame solennellement son attachement aux Droits de l'homme et aux principes de la souveraineté nationale tels qu'ils ont été définis par la Déclaration de 1789, confirmée et complétée par le préambule de la Constitution de 1946, ainsi qu'aux droits et devoirs définis dans la Charte de l'environnement de 2004. En vertu de ces principes et de celui de la libre détermination des peuples, la République offre aux territoires d'Outre-Mer qui manifestent la volonté d'y adhérer des institutions nouvelles fondées sur l'idéal commun de liberté, d'égalité et de fraternité et conçues en vue de leur évolution démocratique»

۳۰. آیه (۱۱) سوره توبه، این برادری دینی را فارغ از هر تفاوت مادی و ظاهری تنها معطوف به اعتقاد می‌داند: «فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» یعنی: «اما اگر توبه کردند و نماز بر پا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمايند. و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشند)، به تفصیل بیان می‌کنیم.»

۳۱. «و در حقیقت، این امت شماست که امتی یگانه است، و من پروردگار شمايم؛ پس از من پروا دارید.»

۳۲. آیه (۹۳) سوره انباء: «(از تفرقه پرهیزید، ولی با این وجود) آنها کار خود را در میانشان به تفرقه کشاندند (و باید بدانند که سرانجام) همگی به سوی ما باز می‌گردند.»

۳۳. آیه (۵۳) سوره مومنون: «اما مردم کارشان را در میان خود به پراکندگی کشاندند، هر گروهی به راهی

رفتند؛ و هر حزب و دسته‌ای به آنچه نزدشان بود دل خوش کردند.»

34. <http://islamicr.org/PageItem-36.aspx>.

۳۵. خداوند کعبه - خانه مورد احترام - را وسیله ای برای قوام و قیام مردم قرار داد.

۳۶. مفردات راغب در بیان مفهوم قیاماً للناس می‌نویسد: «قیام و قوام اسم است برای چیزی که اشیای دیگر توسط آن قوام و قیام می‌یابند.» (ماده قوم، ص ۴۳۲)

۳۷. در خصوص وجوب حج در خبر عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق (ع) وارد شده که آن حضرت فرمود: «اگر مردم در زمانه ای حج را فرو گذاشتند و در آن شرکت نکردند، بر امام واجب است آنان را به شرکت در مراسم حج مجبور کند.» (وسائل ۸ / ۱۵، باب ۵ از ابواب وجوب حج، حدیث ۱) و نیز در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود: «اگر مردم حج را فرو گذاشتند، بر والی و حاکم واجب است که آنان را به شرکت در مراسم حج و ماندن تا آخر مراسم در مکه مجبور نماید؛ و اگر مردم زیارت مرقد مطهر پیامبر اکرم (ص) را ترک کردند، بر والی واجب است آنان را به زیارت و ماندن در کنار مرقد آن حضرت مجبور کند؛ پس اگر مردم فاقد اموال و امکانات بودند بر حاکم است که از بیت المال مسلمین مال و امکانات برای شرکت در مراسم حج در اختیار آنان قرار دهد.» (وسائل ۸ / ۱۶، باب ۵ از ابواب وجوب حج، حدیث ۲) براین اساس حج به عنوان ابزار اطاعت و تأمین مصلحت جامعه اسلامی واجب است و این وجوب گرچه نمی‌تواند علت وجوب شرعی سایر ابزارهای عامل تعاون مسلمین گردد ولی مفید وجوب اصل موضوع خود است.

۳۸. اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تشریح اصل حمایت از دولت‌های اسلامی و مستضعف مقرر می‌کند: «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.»

۳۹. - سیاست‌های کلی نظام که مطابق بند (۱) اصل (۱۱۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توسط رهبری تعیین و بر حسن اجرای آن نظارت می‌گردد مبتنی بر آرمان‌ها ناظر به راهبردهایی هستند که جنبه‌ها و عملیات‌های اجرایی را در سطح تقنین و اجرا برنامه‌ریزی، منسجم و هماهنگ می‌نمایند. و در مقام تعیین اولویت‌ها و اصول کلی تخصیص و توزیع منابع و امکانات کشور در جهت رسیدن به اهداف مندرج در قانون اساسی هستند. این سیاست‌ها از جنس قانون و لازم‌الاجرا می‌باشند و قوانین و تصمیمات مغایر با این سیاست‌ها فاقد اثر و اعتبار است. (غمامی، سید محمد مهدی (۱۳۹۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صص ۲۲۵-۲۱۷)

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود را ایا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir